

بازسازی ویرانه‌های جنگ داخلی سوریه؛ مجال و زمینه‌ای برای تثبیت حکمرانی حزب بعث

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.3.6.2

اعظم سلامتی**

سید اسدالله اطهری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۰

چکیده

مردم سوریه خواهان بازسازی کشور بعد از هشت سال جنگ داخلی هستند. اما به جای اینکه روند بازسازی، فرصتی برای بازگشت آواره‌های سوری به خانه‌های خود باشد، از سوی دولت سوریه به صورت گزینشی به عنوان وسیله‌ای برای پاداش و مجازات استفاده شده است. در طرح‌های بازسازی دولتی، نیازهای آوارگان داخلی و پناهندگان، غالباً نادیده گرفته شده است. استراتژی بازسازی بشار اسد، نیازهای ضروری بیش از ۱۰ میلیون آواره داخلی و پناهنده را مدنظر قرار نداده است. در مقابل، این استراتژی، منافع اقتصادی دمشق و متحدان آن را تامین می‌کند. در شرایط فعلی، این احتمال وجود دارد که به رغم میل دولت و جامعه سوریه، بازسازی کشور، باعث تقویت دیکتاتوری، فرقه‌گرایی و همچنین درگیری‌های جدید شود. حقوق جاری مسکن، زمین و دارایی، محرک اصلی درگیری‌های آینده در سوریه است و انتظار می‌رود نابرابری‌های اجتماعی موجود و گسترده را که عامل اصلی انگیزه در شروع قیام سوریه در سال ۲۰۱۱ بود به میزان قابل توجهی افزایش دهد.

واژگان کلیدی: بشارالاسد، جنگ داخلی، آوارگان، بازسازی، مالکیت، روسیه، ایران.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تاکستان، ایران Athary.Asadolah@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

با گذشت هشت از آغاز جنگ داخلی در سوریه، بیش از هر زمان دیگری، وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم اسفبار است. ژوئن ۲۰۱۸، بانک جهانی تخمین زد، حدود یک سوم ساختمان‌ها و تقریباً نیمی از ساختمان‌های مدارس و بیمارستان‌های سوریه در اثر جنگ داخلی آسیب دیده یا نابود شده‌اند. در فاصله سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۰، حدود ۲/۱ میلیون شغل بالقوه و بالفعل از چرخه اقتصادی سوریه خارج شدند. سال ۲۰۱۵، بیکاری به ۵۵ درصد رسیده بود. در این میان بیکاری جوانان از ۶۹ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۷۸ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش پیدا کرد. نرخ بیکاری بالا، فقدان فرصت‌های شغلی و هزینه‌های بالای زندگی، برخی از جوانان سوری را تشویق کرده است که به ارتش یا شبه‌نظامیان ملحق شوند به‌ویژه زمانی که دستمزد یک عضو شبه‌نظامی ۴ برابر دستمزد استاد دانشگاه است. مطابق دفتر مرکزی آمار، تولید ناخالص ملی از ۶۰/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۲/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسیده است (The Syria Report, 2018). در ضمن، اهداف اولیه قیام معروف مارس ۲۰۱۱ در سوریه برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابری هرگز دور از دسترس به نظر نمی‌رسد. طی چندین مذاکره سیاسی، دولت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تأیید کرده‌اند که رییس جمهور فعلی سوریه، بشارالاسد در قدرت باقی خواهد ماند.

صدها هزار نفر از مردم سوریه زندگی خود را از دست داده‌اند و بیش از نیمی از جمعیت سوریه یا در داخل آواره هستند یا در خارج از کشور پناهند شده‌اند. در نتیجه، ساختار جمعیتی کل شهرهای سوریه تغییر کرده است، طبق پدیده «مهندسی جمعیت‌شناسی» که عمدتاً انگیزه‌های سیاسی در آن غالب است، هدف آن جلوگیری از بازگشت بخش‌های خاصی از آوارگان داخلی و پناهندگان متخاصم رژیم به داخل کشور است. این مهندسی جمعیت‌شناسی اجتماعی و سیاسی همراه با مجموعه‌ای از اقدامات قانونی به طور قابل توجهی حق مسکن و حقوق مالکیت و اموال مردم سوریه را محدود کرده است.

اواسط سال ۲۰۱۸، هزینه بازسازی سوریه حدود ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده‌است (Atlantic council, 2017). در نتیجه رژیم اسد معاهدات بازسازی را با متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله ایران و روسیه آغاز کرده‌است. قدرت‌های غربی نیز تحت فشار هستند تا وارد معاهدات بازسازی سوریه شوند و به طور پیش فرض روابط خود را با رژیم سوریه عادی کنند. مقاله زیر به دنبال تبیین سیاست‌های اخیر رژیم سوریه در مورد توجه به حقوق مسکن، زمین و اموال مردم محلی (آوارگان داخلی و خارجی) به عنوان راهی برای بهره‌برداری از ویرانه‌های جنگ داخلی است. این سیاست‌ها، انگیزه‌های بازسازی سوریه را ایجاد کرده‌است. در حالی که توانایی رژیم را برای کنترل سیاسی تقویت می‌نماید. این مقاله بر این ادعا است که تأمین مالی بی‌قید و شرط بازسازی سوریه در شرایط کنونی، تنها قدرت رژیم و سلطه آن بر جامعه سوریه را تقویت خواهد کرد و در عین حال مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پیشین را که ریشه در قیام سال ۲۰۱۱ دارد، تقویت خواهد کرد.

۱- قوانینی برای متحدان رژیم در تسهیل روند سلب مالکیت و استرداد

الف) حکم ۶۶ - اساس قانونی برای سلب مالکیت در دمشق

رژیم احکام و قوانینی تصویب کرده‌است که به دولت اجازه می‌دهد از روند بازسازی بهره‌مند گردد. از این منظر، حکم قانونی ۶۶ که در سپتامبر ۲۰۱۲ به اجرا گذاشته شد، حیاتی است؛ زیرا به دولت اجازه می‌دهد که مناطق مسکونی غیرمجاز و غیرقانونی را دوباره طراحی و با پروژه‌های املاک و مستغلات «مدرن» جایگزین کند (Ajib, 2017). این فرمان تحت تأثیر طرح جامع دمشق در حوزه مسکن در سال ۲۰۰۷ بود که به دلیل قیام و شورش در سال ۲۰۱۱ به اجرا گذاشته نشد. در ابتدا، این طرح به استان دمشق اجازه می‌داد تا جمعیت دو منطقه بزرگ دمشق را که شامل بساتین‌الرازی در ناحیه المزه (Mazzeh) می‌شد به منظور راه‌اندازی پروژه املاک و مستغلات با نام شهر ماروتا (گامی در روند رونق و احیای سرمایه دمشق به منظور ایجاد

شهر در سطح بین‌المللی) اخراج کند.

فرمان ۶۶ در این مناطق که دارای پتانسیل بالایی در حوزه املاک و مستغلات هستند، وارد عرصه عمل شده‌است. مناطقی که دور از دمشق هستند و ساکنان آن‌ها اغلب از طبقه کارگر و متوسط هستند و گروه‌های مخالف را مورد حمایت قرار داده‌اند. مقامات سوریه به طور رسمی بر این ادعا هستند که پروژه شهر ماروتا شرایط زندگی را بهبود داده و ساختمان‌های قدیمی را با طرح‌های جدید و مدرن جایگزین خواهد کرد. به طور غیررسمی، طرح بازسازی ۱۲ هزار واحد مسکونی با جمعیتی بالغ بر ۶۰ هزار خانوار که دارای درآمد بالایی هستند با قیمتی هر مترمربع از ۳۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار لیره متغیر است. مطابق نظر ناصوح النابلسی، رییس شرکت هولدینگ دمشق: املاک و مستغلات در شهر ماروتا می‌تواند بالاترین قیمت در سوریه را در بلندمدت داشته باشد. به گفته مقامات سوریه، ۱۱۰ هزار فرصت شغلی و ۲۷ هزار شغل دائمی از طریق این طرح ایجاد خواهد شد که شامل مدارس و رستوران‌ها، اماکن زیارتی و حتی پارکینگ طبقاتی و مرکز خرید است (Ajib, 2017).

فرمان ۶۶ اذعان دارد که به ساکنان اصلی باید غرامت پرداخته شود. آنها شایستگی زندگی در خانه‌های جدید را دارند و معادل اجاره‌بهای سالیانه آنها باید تا زمانی که خانه جدید آنها تکمیل شود، از طریق صندوق ویژه پرداخت شود. با این حال، حکم ۶۶ تعیین نکرده‌است که ساکنان تحت چه شرایطی، واجد شرایط زندگی در خانه‌های جدید هستند. در واقع، در طول سال‌ها بسیاری از ساکنان منطقه از فقدان جایگزینی مسکن مناسب شکایت کرده‌اند و همچنین این واقعیت وجود دارد که آنها به سادگی نمی‌توانند در مناطق دیگر، محلی برای اقامت پیدا کنند. این شکایت‌ها حتی در ایستگاه‌های تلویزیونی دولتی یا وابسته به رژیم پخش شده‌است. به عنوان مثال ساکنان سابق که مجبور به ترک این منطقه و زندگی در خارج از کشور شده‌اند، هیچ‌گونه غرامت دریافت نکرده‌اند. ژوئیه ۲۰۱۸، پس از بازپس‌گیری کلی حومه دمشق، استان دمشق طرح بازسازی دیگری را به نام شهر باسیلیا اعلام کرد. این طرح در جنوب دمشق در وسعتی به ابعاد

۹ میلیون مترمربع و شامل ۴ هزار واحد املاک می‌شد. درست مانند پروژه ماروتا سیتی، ساکنان محلی در بعضی از مناطقی که برای توسعه شهر باسیلیا طراحی شده‌است، اخراج شده‌اند و در جستجوی مسکن جایگزینی هستند (Daher, 2018 :11).

ب) قانون ۱۰: گسترش ملی حکم ۶۶

آوریل ۲۰۱۸، رژیم اسد قانون شماره ۱۰ را صادر کرد، که اساساً گسترش ملی و اصلاح حکم قانونی ۶۶ در سال ۲۰۱۲ بود. وی تصریح کرد که صاحبان اموال باید ظرف مدت یک سال دارایی‌هایشان را به مقامات مربوطه، واحدهای اجرایی محلی تسلیم کنند. مهلت اولیه ۳۰ روز بود. تمدید آن برای یک سال تنها در اوایل نوامبر ۲۰۱۸ پس از فشار سیاسی بین المللی رخ داد. اگر صاحبان اموال قادر نباشند شخصاً این کار را انجام دهند بستگانشان می‌توانند به عنوان نمایندگان آنها وارد عمل شوند و یا از طریق وکیل این کار را انجام دهند. کسانی که ثابت کنند صاحبان اموالشان هستند، در منطقه سهم خواهند داشت. همان‌طور که سازمان دیده‌بان حقوق بشر توضیح داده‌است: (۱) کسانی که بخشی را به نام خود ثبت کرده‌اند؛ (۲) یا سهام خود را در حراج عمومی می‌فروشند؛ (۳) یا این که شرکتی را جهت سرمایه‌گذاری ایجاد کرده‌اند، سهمی از سود بازتولید آن را دریافت خواهند کرد. همه سهامداران در یک بخش باید یک گزینه را انتخاب کنند. ساکنان این مناطق باید بیرون روند و مطابق قانون شماره ۱۰ غرامت را از مقامات محلی که معادل ۲ سال اجاره‌بها است دریافت کنند، در صورتی که واجد شرایط محل دیگری برای اسکان نباشند. مستأجران که حق داشتن مسکن دیگری را دارند به مدت ۴ سال به آنجا نقل مکان خواهند کرد. با این وجود قانون، جزئیاتی را مشخص نکرده‌است که چه کسانی واجد شرایط داشتن مسکن دیگری هستند. همان‌طور که در مورد ماروتا سیتی، روند یافتن مسکن دیگر و نحوه پرداخت غرامت موفقیت‌آمیز نبود. در حقیقت بیشترین بحث در این مورد است که قانون با کسانی که نتوانسته‌اند اموالی را که به آنها تعلق دارد، ثابت کنند چگونه رفتار کرده‌است. تحت این قانون، غرامت به آنها پرداخته نمی‌شود و مالکیت به استان، یا شهری که ملک در آن واقع

است برخواهدگشت. هدف اصلی قانون این است که، املاک و مستغلاتی را که غیرنظامیان سوری آواره در داخل کشور و یا کسانی که به خارج پناهنده شدند و رها کردند، ناتوان از اعاده آن باشند. طبق قانون شماره ۱۰ و با تغییر ساختار اداری، املاک و مستغلات صاحبان محلی به راحتی مورد استفاده دولت قرار گرفته است (Syria Report, 2017).

قانون شماره ۱۰، حکم قانونی ۶۶ را در سراسر کشور گسترش داده است، به این معنا که اجازه می‌دهد تمام واحدهای اداری محلی (LAU) در سراسر سوریه مانند شهرها و استان‌ها، توسعه املاک و مستغلات را در محدوده اداری خودشان نظم ببخشند و جمعیت محلی را از داشتن اموالشان خلع ید کنند. در مصاحبه‌ای با روزنامه‌های طرفدار رژیم، الوطن، حسین ماخلوف، وزیر امور خارجه و محیط‌زیست سوریه، در ۹ آوریل ۲۰۱۸ اعلام کرد: در ابتدا توسعه املاک و مستغلات جدید شامل سه منطقه از جمله بابا عمر، حومه شهر حمص، بخش‌های از شهر حلب و حرستا در غوطه شرقی است. همه این مناطق، از قلمروهای گروه‌های مخالف بودند.

سپتامبر ۲۰۱۸ شورای استان دمشق گزارشی را منتشر کرد که در آن برنامه‌های تخریب و بازسازی تحت قانون شماره ۱۰ انجام می‌شد. هدف اصلی ناحیه تادامون در دمشق، جایی است که ساکنان آن ترکیبی از طرفداران و مخالفان رژیم اسد هستند، رئیس شورا، فیصل سرور اعلام کرد: ۳۵۰۰ خانه قابل سکونت بوده و ساکنانی که مالکیت خود را اثبات کردند می‌توانند برگردند. ساکنانی که خانه‌هایشان غیرقابل سکونت بوده و یا نابود شده‌است قادر به بازگشت نخواهند بود و روند بازسازی بین ۴ تا ۵ سال طول خواهد کشید. ساکنان منطقه تادامون این شورا را به شدت رد کرده و تقاضای دادخواهی کردند. بخش‌های دیگری از دمشق (مانند جوبر، برزه و قابون) نیز در ابتدای سال ۲۰۱۹ برای بازسازی مطابق قانون شماره ۱۰ مورد بررسی قرار گرفتند (Syria Report, 2018).

ج) قوانینی برای جذب توسعه‌دهندگان املاک و مستغلات و دیگر سرمایه‌گذاران

علاوه بر حکم قانونی ۶۶ و قانون شماره ۱۰، رژیم اسد همچنین از مجموعه قوانینی برای

انتقال حقوق مالکیت و اموال و دارایی‌های ساکنان و خلع مالکیت آنها استفاده کرده‌است. برای مثال، در حماء در اکتبر ۲۰۱۸، پروژه توسعه املاک برای محله وادی الجوز اعلام شد، این منطقه پس از اعاده از طریق نیروهای رژیم در سال ۲۰۱۳ کاملاً تخریب شده بود. این پروژه بر اساس حکم قانونی شماره ۵ برنامه‌ریزی شهری در سال ۱۹۸۲ بود. این پروژه شامل ساخت ۲۴۰۰ آپارتمان به ارزش ۴۰ میلیارد لیره سوری (تقریباً ۷۷/۴ میلیون دلار) بود.

اساساً این پروژه را یک نهاد خصوصی به عهده دارد که نوعی خدمات دولتی را فراهم کرده‌است؛ قانون شماره ۵ سوریه از سال ۲۰۱۶ تحت عنوان (قانون مشارکت عمومی و خصوصی) چارچوب قانونی برای امور بازسازی فراهم کرده‌است که اجازه توافق‌نامه بین مؤسسات دولتی و شرکت‌های خصوصی را از طریق شرکت‌های هلدینگ می‌دهد. دولت در ژوئیه ۲۰۱۵، قانونی را تصویب کرد که به شوراهای شهر و سایر واحدهای اداری محلی اجازه می‌داد که شرکت‌های خصوصی را تأسیس کنند که دارایی‌های عمومی و خدمات را مدیریت کنند. در نتیجه، متحدان رژیم می‌توانند با تأسیس شرکت‌های خصوصی از طریق دارایی‌های عمومی کسب درآمد کنند. توسعه پروژه‌های مسکونی می‌تواند از طریق شرکت‌های هلدینگ انجام شود که صاحبان آنها استانداری‌ها و شهرداری‌ها هستند. اما ساخت و مدیریت پروژه‌ها از طریق شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌گذارانی انجام می‌شود که با رژیم رابطه تنگاتنگی دارند. شرکت‌هایی نظیر چم هولدینگ دمشق، که پروژه‌های بزرگ بازسازی مانند ماروتا سیتی و باسیلیا سیتی را مدیریت می‌کنند بر اساس این قانون انجام می‌گیرد که بزرگ‌ترین منطقه مسکونی غیررسمی در سوریه و تحت کنترل مخالفان در طول درگیری‌ها بود که بعدها رژیم بشار اسد به کمک روسیه آن را نابود کرد.

این پروژه بازسازی بر اساس قانون سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات شماره ۱۵ مصوب ۲۰۰۸ انجام خواهد گرفت. که چارچوبی برای پروژه‌های بزرگ املاک و مستغلات است که ثبات مناطق توسعه و همچنین سرمایه‌گذاری در آنها را تنظیم می‌کند (Ibid).

۲- اهداف سیاسی بازسازی

چارچوب دقیق قوانین، سلب مالکیت مناطق بزرگ را اجازه می‌دهد و همچنین می‌تواند به عنوان ابزار کارآمد برای پروژه‌های سریع و بزرگ توسعه انجام شود که به نفع متحدان رژیم و جذب منابع مالی خارجی خواهد بود. این قوانین همچنین جمعیت‌هایی را که مخالف رژیم هستند مجازات می‌کند. اکثریت مردم این مناطق از گروه‌های سنی هستند که در مناطق روستایی فقیرنشین و شهرهای متوسط و حومه دمشق و حلب زندگی می‌کنند. این بدان معنا نیست که رژیم مخالف گروه‌های اهل سنت در سطح جهانی است اما با حوزه‌های انتخاباتی آنها خصومت دارد. این حوزه‌های انتخابی باید با طبقه‌های اجتماعی بالاتر و نخبگان جنگی جدید جایگزین شوند، که عموماً کمتر تمایل به خیزش در برابر رژیم دارند.

الف) اثبات چالش برانگیز مالکیت

بازگشت غیرنظامیان به مناطق خاص نیز با دشواری‌هایی روبرو شده‌است. به عنوان مثال، مطابق گزارش دیده‌بان حقوق بشر، ساکنان داربا اجازه بازگشت به شهر را حتی در صورت اثبات اموال و دارایی‌های خود ندارند. طبق برآورد پیش از جنگ وزارت امور خارجه، حدود ۵۰ درصد از زمین‌های سوریه به طور رسمی ثبت شده است. ۴۰ درصد دیگر هنوز ثبت نشده‌اند. مطابق گزارش لورا کانیا، کارشناس حقوقی مسکن در شورای پناهندگان نروژ (NRC)، و سازمان ملل پناهندگان در سال ۲۰۱۷، بخش قابل توجهی از آوارگان سوری، اسناد مالکیت خود را از دست داده‌اند. تقریباً نیمی از پناهندگان سوری اعلام کرده‌اند که خانه‌هایشان در جنگ نابود شده یا آسیب دیده است و تنها ۹ درصد آنها دارایی‌های قانونی خود را در اختیار دارند.

روند ورود به مناطق تحت کنترل رژیم اغلب نیاز به دریافت مجوز از نهادهای امنیتی و عبور از ایست‌های بازرسی است. این فرآیند شامل حق السکوت، رشوه، تهدید به بازداشت است. ساکنان این مناطق مجبور به پرداخت صورتحساب برق، تلفن و آب برای سال‌هایی هستند که در طول جنگ نبودند که معادل ۵۰ درصد دارایی‌های آنهاست (Chulov, 2017).

ب) قانون مبارزه با تروریسم ۲۰۱۲: تبعیض، جنایت و ضبط اموال

بعید به نظر می‌رسد گروه‌های فعال مخالف و حامیان شورش، به علت ترس از تهدید و شکنجه، خواهان بازگشت به سوریه باشند، همچنین آنها به علت فعالیت‌های سیاسی گذشته خود نمی‌توانند خواهان غرامت از دولت در خصوص دارایی‌هایشان باشند. در این چارچوب، حکم قانونی ۶۳ در سال ۲۰۱۲، وزارت دارایی سوریه را محق می‌کند که اموال و دارایی‌های افرادی را که مظنون به تروریسم هستند ضبط کند. بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر، حکم قانونی شماره ۱۹، تفسیر گسترده‌تری از تروریسم را ارائه داده‌است که به عنوان قانون ضد تروریسم شناخته شده‌است (Othman Agha, 2018).

ج) بازسازی در حلب و حمص: فرصت‌های شغلی تجاری برای متحدان رژیم به جای روند بازسازی برای آوارگان و پناهندگان سوری

طرح بازسازی در حمص بر سه ناحیه بابا عمرو، جوهر و سلطانیه که بیشتر آسیب دیده متمرکز است. طبق گزارش فرماندار حمص، طلال برازی، شامل ۴۶۵ ساختمان دولتی و ۷۵ هزار خانه مسکونی به ارزش ۴ میلیارد دلار خواهد بود. طرحی که در گذشته به عنوان رویای حمص در سال ۲۰۰۷ ارائه شد به عنوان فرصتی برای مدرنیته و توسعه شهری با از بین بردن بخش‌هایی از مرکز شهر و بازسازی آن مرتبط بود. در آن زمان، گروه‌های محلی با این طرح مخالف بودند؛ زیرا این پروژه حق اقامت ساکنان طبقه متوسط را در محله‌های قدیمی تضمین نمی‌کرد. در مقابل، شهرداری پیشنهاد داد مسکنی در محل دیگر در اختیار آنها قرار دهد یا غرامت مالی دهد. این طرح ترس را در ساکنان قدیمی ایجاد کرد که احتمالاً منجر به اخراج آنها از این مناطق و تبدیل آنجا به محله‌های اعیان‌نشین خواهد شد و همچنین از بازگشت ساکنان قدیمی به خانه‌هایشان جلوگیری خواهد شد (Najam ALdeen, 2018).

برخی از مردم محلی نیز از طرح بازسازی سابق حمص انتقاد کرده و بر این باورند که از برنامه‌های شهری استفاده کرده‌اند تا سنی‌ها و مسیحیان را از مناطق مرکزی خارج کنند در

حالی که مناطق علوی‌نشین دست‌نخورده باقی مانده‌است. اکتبر ۲۰۱۸، شورای شهر حمص در صفحه فیس‌بوک رسمی خود اعلام کرد به عنوان بخشی از روند بازسازی، آنها برنامه‌های منطقه‌بندی سه ناحیه را در شهر (جورت الشیاح، قرابیس، قصور) نهایی کرده‌اند که همگی از گروه‌های مخالف سابق بودند و تقریباً خالی از سکنه هستند و ساکنان قدیمی بازنگشته‌اند. این شورا افزود: صاحبان اموال که خواهان تخریب یا ساخت هستند باید از این شورا مجوز کسب کنند (Hurriya Press, 2018).

۳- بازسازی در حلب

ژانویه ۲۰۱۷ بر اساس ارزیابی اولیه شهرداری در حلب، بیش از ۵۰ درصد ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها به طور جزئی و یا کاملاً تخریب شده‌اند. بخش بزرگی از جمعیت در محله‌های شرقی حلب به مناطق دیگر پناهنده شده و یا فرار کرده‌اند. اواخر ۲۰۱۷ بر اساس برآورد سازمان ملل متحد، حلب حدود یک سوم جمعیت خود را از دست داده‌است و حدود ۲ میلیون نفر از جمعیت شهر به خارج پناهنده شده‌اند. ۴۴ درصد از سهام مسکن شهر تخریب شده است و ۸۶ درصد از زیرساخت‌های تجاری آن آسیب دیده است، بیشترین تخریب و آسیب در مناطق شرقی، جایی است که ساخت و سازهای غیر اصولی صورت گرفته بوده‌است. با این حال، از میان ۱۵ منطقه‌ای که دولت برای بازسازی پیشنهاد داده‌است، ۸ منطقه آن در شرق حلب قرار ندارد. مناطقی که برای بازسازی اولویت دارند در غرب و مرکز شهر واقع شده‌اند. مطابق گزارش خبرگزاری رسمی سوریه، ژوئیه ۲۰۱۷ دولت ۲۵ میلیارد لیره سوری (به ارزش ۴۸/۵ میلیون دلار آمریکا) برای قراردادهای بازسازی در حلب اختصاص داده‌است. ابتدای ژانویه ۲۰۱۸، عماد خمیس، نخست وزیر سوریه پس از بازرسی شهر اعلام کرد که سهم حلب از بودجه ۲۰۱۸، حدود ۴۰ میلیارد لیره سوری (معادل ۷۷/۴ میلیون دلار آمریکا) خواهد بود که به نوسازی زیربناها و پروژه‌های بازسازی اختصاص دارد. بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها سودی برای مناطق شرقی حلب ندارد.

بیشترین سود برای مناطق غربی و مرکزی حلب است که به لحاظ تاریخی مخالف رژیم نبودند. (Tradingeconomics, 2018).

۴- مزایای بازسازی برای متحدان و گروه‌های وابسته به رژیم

فرآیند بازسازی اقدام مهمی از سوی رژیم جهت پاداش دادن به کسانی است که در طول چند سال گذشته رژیم را حمایت کرده‌اند. در طول پروژه‌های بازسازی، چندین تاجر محلی نقش برجسته‌ای داشتند. یکی از این چهره‌ها سامر فوز، تاجر موفق سوری است که در طول ۸ سال جنگ داخلی نقش برجسته‌ای داشته است. او پسر یکی از اعضای سنی حزب بعث در سال ۱۹۷۰ از لاذقیه و پدرش از نزدیکان حافظ اسد بود. چندین تن از بازرگانان سوریه و دبی در مصاحبه‌ای با فایننشال تایمز، چاپ لندن اعلام کرده‌اند که سامر فوز با رژیم اسد ارتباط نزدیکی دارد. (Aman Group, 2017).

با توجه به ارتباطات نزدیک سامر فوز با اسد و موفقیت وی در نادیده گرفتن و دور زدن تحریم‌های بین‌المللی، در طول جنگ، وی تاجر موفق و مهمی بوده است. کمپانی سامر فوز از قراردادهای دولتی سود هنگفتی می‌برد. و به عنوان دلال محصولات غلات در عرصه تجارت و بازرگانی اقدامات وسیعی را انجام داد. سامر فوز همچنین به عنوان واسطه میان کردهای مبارز سوری و داعش وارد عمل شد و در این میان تجارت گندم را انجام می‌داد. او همچنین در خرید اموال و دارایی‌های بازرگانانی که سوریه را ترک کرده‌اند یا کسانی که با رژیم دچار مشکل شده بودند، مشارکت داشت.

منافع تجاری فوز به سرعت و به طور وسیعی فراتر از واردات و تجارت غلات و مصالح ساختمانی گسترش پیدا کرد و شامل حمل و نقل هوایی، صنعت کابل، فولاد، شکر، ماشین سازی و توزیع آن، مدیریت هتل، توسعه املاک و مستغلات و داروسازی شد. آگوست ۲۰۱۷، کمپانی فوز، گروه آمان، اعلام کرد که در بازسازی منطقه بساتین الرازی در دمشق، همراه با

استان دمشق و شرکت هلدینگ دمشق شرکت خواهد کرد. کمپانی فوز ، گروه امان را برای پروژه‌های بازسازی به ارزش ۱۸/۹ میلیون دلار آمریکا ایجاد کرد (SyriaReport , 2017).

نوامبر ۲۰۱۷ ، شرکت هلدینگ دمشق، حق توسعه املاک و مستغلات را به ارزش ۳۱۲ میلیون دلار آمریکا به عنوان بخشی از پروژه بساتین الرازی به گروه امان اعطا کرد. سامر فوز یکی از برجسته‌ترین چهره‌های اقتصادی است که از معاملات بازسازی سوریه سود می‌برد. نمونه‌های متعددی از وایستگان رژیم وجود دارند که از معامله با شرکت هلدینگ دمشق سود فراوانی بردند. در طول شراکت بخش دولتی با بخش خصوصی، دارایی‌های عمومی به شرکت‌های خصوصی منتقل شدند. در عین حال مردم عادی از اموال و دارایی‌هایشان محروم و از محل زندگیشان رانده شدند و بازگشت گروه‌های مخالف سیاسی نیز غیر ممکن است.

نمونه‌های دیگر عبارتند از: خالد الزبیدی و نادرغالی که با تأسیس کمپانی زبیدی و غالی قراردادهای سودآوری با کمپانی هلدینگ دمشق منعقد کردند، همچنین به عنوان بخشی از بازسازی پروژه بساتین الرازی سود فراوانی بردند. نادر غالی، سنی مذهب و تاجر دمشقی است که سرمایه‌گذاری وسیعی در ارتباط با تعاملاتش با رژیم انجام داده‌است. مازن الطرازی، یکی دیگر از بازرگانان و وابستگان رژیم سوریه است که در بخش‌های اقتصادی فعال است. و اجازه ساخت ۱۲۰ هزار مترمربع مرکز خرید را از دولت گرفته است.

گروه طلس متعلق به عنس طلس یکی از تاجران سوری است. سود فراوانی از توافقات سیتی ماروتا برده است. الطرازی و طلس شباهت‌هایی دارند، از جمله داشتن ثروت در خلیج فارس و قبل از سال ۲۰۱۱ در سوریه ناشناخته بودند؛ زیرا فعالیت‌شان مرتبط با املاک و مستغلات نبود. بانک‌های خصوصی نیز نقش مهمی را در این مجموعه ایفا می‌کنند. فوریه ۲۰۱۸، کمپانی هلدینگ دمشق به طور رسمی اعلام کرد که با همکاری بانک الباراکا به مدیریت محمد حلبی، کمپانی مالی املاک و مستغلات را ایجاد کرده است که در تامین مالی توسعه شهر ماروتا مشارکت خواهد کرد. (Goldsmith, 2018).

۵- بازسازی بدون دارایی‌های کلی

الف) دولت سوریه برای بازسازی نیاز به نقدینگی دارد.

علی‌رغم همه اینها، سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی هنوز هم برای بازسازی کشور کافی نیست و دولت سوریه به شدت مشکلات مالی دارد. مالیات بازسازی که در سال ۲۰۱۳ اعلام شد در ابتدا قرار بود به مدت سه سال اعمال شود، دسامبر ۲۰۱۷ دوبرابر شد و به میزان ۱۰ درصد رسید.

فقدان بودجه ملی نیز قابل توجه است، زمانی که رژیم خواستار آن است که مردم محلی به طور مستقیم در بازسازی مشارکت کنند. به عنوان مثال سپتامبر ۲۰۱۸، سعید عبدالطیف، رئیس شرکت دولتی ساختمانی اظهار داشت که شرکتش با فرماندار حومه دمشق قراردادی را امضا کرده بود که ۱۷۵ ساختمان را در حومه دمشق (عدرا) بازسازی کند که محل استقرار اقلیت‌های علوی است. ۴۰ درصد هزینه‌های بازسازی را ساکنان محلی و ۶۰ درصد را دولت پرداخت کرده‌است. دولت نیز به طور فزاینده‌ای وابسته به پرداخت‌های اولیه بانک مرکزی شده است که در طول جنگ به دلیل درآمد بسیار محدود مالیاتی افزایش یافته است. سال ۲۰۱۵، حداقل یک سوم هزینه‌های عمومی از طریق وام‌های بلندمدت بانک مرکزی سوریه تامین می‌شد. طرح‌های مشارکت بخش خصوصی و دولتی نیز بر اعتبارات بانکی تکیه دارد، که به راحتی در دسترس نیست با توجه به این‌که دارایی‌های کلی ۱۴ بانک تجاری خصوصی از سال ۲۰۱۰ به شدت کاهش یافته‌است. از میان بانک‌های دولتی نیز که دارایی‌هایشان از بانک‌های خصوصی بیشتر است به‌ویژه بانک تجاری سوریه، بدهی‌های مالی فراوانی دارند.

بودجه ملی سال ۲۰۱۹ به میزان ۳/۸۸۲ میلیارد لیره تعیین شده است، که مطابق ۸/۹ میلیون دلار است که بر اساس نرخ تبدیل ثابت دولت سوریه، برابر با ۸۰۹ میلیارد دلار است. از این میزان مبلغ ۱/۱۰۰ میلیارد لیره برای سرمایه‌گذاری اختصاص یافته‌است اما بازسازی ۵۰ میلیارد لیره معادل ۱۱۵ میلیون دلار هزینه نیاز دارد. هزینه کل بازسازی سوریه ۴۰۰ میلیارد

دلار آمریکا تخمین زده شده است. علاوه بر این، مارنون حمدان، وزیر دارایی سوریه پیش بینی کرده بود که کسری مالی سوریه در سال ۲۰۱۹، به میزان ۹۴۶ لیبره معادل ۲/۲ میلیون دلار آمریکا خواهد بود (The Glob Post, 2019).

(ب) بی ثباتی به علت میلیتاریسم

از آغاز سال ۲۰۱۷، شکایات علیه شبه نظامیان در مناطق تحت کنترل دولت مرکزی در سراسر کشور دیده شده است. گفته می شود گروه های مشکوک شبه نظامی درگیر فعالیت های جنایی مختلف مانند سرقت، غارت، قتل، درگیری و به ویژه زورگیری در ایست بازرسی بودند که بر علیه افراد سواستفاده می کردند. بنا بر همین گزارش ها، رهبران گروه های شبه نظامی به طور کلی با برخی سازمان های مشکوک نظامی ارتباط دارند، و مانع از عملکرد مقامات شهری علیه آنها می شوند. بعضی فرماندهان جنگی یا جنگ سالاران در طول جنگ ثروت هنگفتی انباشته کرده اند و از این طریق به اقتصاد رسمی وصل شده اند. آنها شرکت هایی تأسیس کرده و به ثبت رسانده اند یا در پروژه های سرمایه گذاری، از جمله املاک و مستغلات شرکت دارند. به این ترتیب، سود و قدرتشان را افزایش داده اند. آنها در مناطق تحت کنترل دولت بر زندگی مردم اعمال نظر دارند. وقایعی که در سواحل سوریه، حلب، حمص و دیگر شهرهای اتفاق افتاده، نشان می دهد که ساکنان محلی از سکوت یا بی عدالتی پلیس محلی و نیروهای امنیتی در مورد جنایات، آدم ربایی و غارت شبه نظامیان طرفدار دولت گلایه های جدی دارند.

سرانجام، بسیاری از چالش های امنیتی دیگر که اسد در تلاش برای مقابله با آن است، مانند اسلامگرایی افراطی (گروه هایی مانند هیئت تحریر الشام و گروه داعش) وجود دارد. به دنبال از دست دادن کنترل مناطق اشغالی از سوی گروه های افراطی می توان شاهد تغییر استراتژی در عملکرد این گروه ها از جمله، بمب گذاری انتحاری در مناطق غیرنظامی و سایر فعالیت های چریکی بود. این روند در حال حاضر آغاز شده است و در نهایت بی ثباتی بیشتری را ایجاد خواهد

بازسازی یا غارت: ملاحظات و مقاصد شرکای دمشق در روزهای بعد از جنگ

پس از هشت سال جنگ، در مورد بازسازی سوریه در جوامع بین‌المللی بحث‌های فراوانی صورت گرفته‌است. اما همانطور که معلوم است، برخی از بلوک‌های قدرت در سوریه، از مدت‌ها پیش منافع خود را ذخیره کرده‌اند. تا همین اواخر، شدت رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سوریه به معنای آن بود که بحث در مورد بُعد اقتصادی تعارض و فرصت‌هایی که می‌تواند از بازسازی ایجاد شود، کنار گذاشته شود. در واقع، برای همه بازیگران بین‌المللی در سوریه (چه حامیان دولت از جمله روسیه، ایران و چین، و چه مخالفان دولت، مانند اتحادیه اروپا، آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس) درگیری سوریه در درجه اول یک مسابقه ژئوپلیتیکی بوده تا اقتصادی.

سوریه، منابع انرژی و سایر منابع طبیعی محدودی دارد و بازار داخلی وسیعی نیز ندارد. برخی معتقدند که این جنگ، رقابت برای کنترل خطوط لوله نفت و گاز در آینده است که می‌توانند از خاک سوریه عبور کند. اما این تئوری دقیق مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و حتی رژیم سوریه نیز به طور جدی در مورد این موضوع بحث نکرده است. طی دو سال اخیر، شرایط تغییر کرده است و بسیاری از دولت‌ها و صاحبان مشاغل شروع به مشارکت برای بازسازی بالقوه سوریه کرده‌اند. در حالی که تعداد کمی از تحلیلگران انتظار دارند که به دلیل کمبود بودجه، در مدت زمان محدودی، بازسازی بزرگی اتفاق بیفتد، مقیاس تخریب باعث تحریک تقاضای تجاری از سوی خاورمیانه و فراتر از آن می‌شود. در کشورهای همسایه، مانند لبنان و اردن، برنامه‌های تجاری اختصاص داده شده برای بازسازی سوریه به طور منظم سازماندهی شده است.

تقریباً هر هفته یک هیأت تجاری خارجی به دمشق سفر می‌کند تا در مورد بازسازی صحبت کند؛ این هیأت‌ها بازدیدکنندگانی از متحدان رژیم مانند چین، اندونزی، هند، بلاروس و برزیل هستند. در ضمن، برای کشورهایی که مخالف رژیم اسد هستند، مانند کشورهای اتحادیه اروپا، این واقعیت که رژیم در جنگ پیروز شده است به معنای این است که آنها فرصت‌های کمی برای پیشبرد منافع اقتصادی خودشان دارند. به نظر می‌رسد برخی دیگر مانند کشورهای عربی حاشیه

خلیج فارس در تلاشند روابط خود را اصلاح کنند و این امر باعث می‌شود فرصت‌های محدودی برای آنها، به ویژه در بخش املاک و مستغلات فراهم شود.

ایران و روسیه دو دولتی هستند که بیشترین سود را در روند بازسازی سوریه دارند. با توجه به پشتیبانی سیاسی و نظامی آنها از رژیم، اکنون حق دسترسی ممتاز به بازار سوریه را دارند و بیشتر از سایرین از بازسازی بهره‌مند می‌شوند. مقامات سوریه با صراحت این موضوع را تصدیق کرده، گفتند که این دو کشور و سایر متحدین مانند اعضای گروه BRICS (شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی)، در اولویت قرار خواهند گرفت. در حال حاضر، چندین توافق نامه دو جانبه بین ایران و روسیه و دولت سوریه به امضا رسیده است. در عمل، نقش روس‌ها و ایرانی‌ها پیچیده‌تر است. از یک طرف، آنها مایل به صرف منابع مالی محدود خود در اقتصاد سوریه نیستند. از سوی دیگر، آنها در تلاش هستند تا از قدرت سیاسی و نظامی خود برای جذب هرچه بیشتر دارایی‌های اقتصادی سوریه استفاده کنند. (Yazigi, 2018: 20).

پیشروی روسیه

روسیه هنگام تصرف منابع اقتصادی سوریه، به ویژه در بخش انرژی و معدن، رهبری را به عهده گرفت. از اواخر سال ۲۰۱۶، بنا به گزارش‌ها، در جریان بازدید یک هیئت تجاری روسیه به سرپرستی دیمیتری روگوزین، معاون نخست وزیر، تقاضای روسیه را برای دسترسی ممتاز به منابع انرژی و معدن سوریه تسلیم کرد. روگوزین پس از دیدار با رهبر سوریه، بشار اسد، به خبرنگاران گفت: [اسد] شخصاً تضمین کرد که سوریه برای هر شرکت روسی مطلوب‌ترین گزینه را ایجاد خواهد کرد. چند هفته بعد، در آوریل ۲۰۱۷، رئیس جمهور سوریه به خبرگزاری اسپوتنیک گفت: به زودی قراردادهایی در بخش نفت و گاز با شرکت‌های روسی منعقد می‌شود. این قراردادهای اشکال مختلفی به خود گرفته‌اند. در ماه ژوئیه ۲۰۱۷، فونتانکا، شبکه خبری روسی، فاش کرد که این قرارداد شامل اعطا به یوگنی پریگوژین، تاجر نزدیک به ولادیمیر پوتین (معروف به «آشپز پوتین» است زیرا او قبلاً در ارائه خدمات به کرملین) حق جمع‌آوری ۲۵ درصد از

درآمدهای نفتی و گازی را داشت که تحت کنترل پیمانکار روسی بود.

پیش‌بینی می‌شود که این معامله یکی از عواملی باشد که باعث ایجاد رقابت در منطقه نفت خیز دیرالزور در پاییز ۲۰۱۷ از یک طرف بین، ارتش سوریه و متحدان روسی و از سوی دیگر نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) تحت کنترل کردها و آمریکا شود. مهمتر از این، کنترل روسیه بر صنعت فسفات سوریه است. برخلاف منابع نفتی، فسفات سوریه تحت تحریم‌های غرب نیست و می‌توان آن را صادر کرد و از این طریق درآمدهای ارزی ایجاد کرد. بهار ۲۰۱۷، دولت سوریه به یک شرکت روسی استروی ترانس گاز (Stroytransgaz Group)، حق استخراج و فروش سالانه ۲,۲ میلیون تن فسفات را برای مدت ۵۰ سال از معدن شارکیا (Sharqya) اعطا کرد. سوریه بزرگترین ذخایر فسفات در جهان را دارد. این توافق نامه شوک بزرگی را در دمشق ایجاد کرد (The Syria Report, 2017).

همسو با شرایط پیش آمده رسانه‌های سوری اعلام کردند، این شرکت روسی ۷۰ درصد کل فسفات استخراج شده و دولت سوریه ۳۰ درصد را بدست می‌آورد. این نوع توافق تقسیم تولید در صنعت نفت و گاز به طور مکرر صورت گرفته است، در این نوع توافق‌ها پیمانکار خارجی باید مبلغ قابل توجهی را به صورت مقدماتی سرمایه گذاری کند و خطر اکتشاف نفت را به عهده بگیرد. اما در مورد فسفات، در دسترس بودن و مشخص بودن محل آن مشخص و سرمایه‌گذار نیاز به هزینه نسبتاً کمی دارد. از این رو، این توافقنامه منعکس کننده اهرمی است که روس‌ها نسبت به دمشق دارند.

استوری ترنس گاز به همین‌جا متوقف نشد، و اکنون گزارش شده است که توافق نامه‌ای را برای تصاحب تنها کارخانه کود شیمیایی کشور که در نزدیکی حمص واقع شده است، نهایی می‌کند. تولید کود نیاز به فسفات دارد و شرکت دولتی کود شیمیایی، کودهایی را تولید می‌کند که به طور سنتی با قیمت‌های یارانه‌ای به کشاورزان محلی فروخته می‌شود. این تجارت کاملاً در بخش تولید محصولات کشاورزی ادغام شده است. اکنون این کارخانه به جهت مالکیت بر شرکت

روسی است که به وضوح می‌خواهد ارزش افزوده‌ای را به فسفات استخراجی اضافه کند. روسیه هم اکنون تامین کننده اصلی گندم به سوریه است. حداقل از سال ۲۰۱۳، کشاورزان محلی تنها بخشی از گندم مورد نیاز برای تامین نان مورد نیاز، غذای اصلی برای سوری‌ها را تامین کرده‌اند، این بدان معنی است که دولت موظف است به واردات تکیه کند. با تسهیلات اعطایی از سوی روسیه و نیز به دلیل فشار سیاسی، تقریباً همه گندم مورد نیاز یعنی هفتصد هزار تن، همه از روسیه و کریمه خریداری می‌شود.

کنترل مسکو بر بخشهای انرژی و گندم، وابستگی دمشق به متحد خود را برجسته می‌کند. روس‌ها همچنین در تلاش هستند تا در بخش‌های دیگر هم سوری‌ها را تحت فشار قرار دهند. آنها به دنبال فروختن چندین هواپیمای مسافربری MS-21 به دمشق هستند که به دلیل تحریم‌ها نمی‌توانند هواپیماهای غیرنظامی ساخت غرب را خریداری کنند. MS-21 برای رقابت با ایرباس A۳۲۰ و بویینگ ۷۳۷.۱۰ تولید می‌شود و البته این اولین باری نیست که روس‌ها سعی در فروش هواپیماهای تجاری خود به سوریه دارند. قبل از قیام و جنگ داخلی سوریه، دمشق پیشنهاد خرید هواپیماهای روسی را رد کرده بود.

گردشگری بخش دیگری است که حضور روسیه در آن افزایش یافته است، به ویژه در مناطق ساحلی که پایگاه‌های اصلی نظامی روسیه در آن قرار دارد. در ماه می ۲۰۱۸، شرکت تابعه استوری ترنس گاز و اس. تا. چی لجستیک موافقت خود را برای ساخت استراحتگاهی در نزدیکی طرطوس را امضا کردند (Ruaviation, 2018).

نقش ایران، تحت الشعاع مسکو

برخلاف برخی باورها، ایران به اندازه روسیه در اقتصاد سوریه نقش مهمی ایفا نکرده زیرا روسیه، قاطعیت و نفوذ بیشتری بر رژیم سوریه داشته است. پیش از جنگ داخلی، روابط اقتصادی سوریه و ایران بسیار محدودتر از روابط سیاسی و امنیتی بود. تجارت دو جانبه به ندرت

از مرز ۴۰۰ میلیون دلار فراتر می‌رفت. در ابتدای سال ۲۰۱۷ بعد از احیای کنترل رژیم بر تمام مراکز اصلی شهری و اقتصادی کشور، سوریه و ایران پنج تفاهم‌نامه همکاری امضا کرده‌اند که شامل توافق نامه‌ای برای استخراج ذخایر فسفات و توافق نامه دیگری جهت اعطای مجوز حامل تلفن همراه است.

با این وجود، تقریباً دو سال پس از امضای این توافق نامه، هیچکدام از آنها عملی نشده است و ناامیدی در حال افزایش است. روسیه منافع خود را با هزینه ایران پیش می‌برد. به عنوان مثال، در ابتدای سال ۲۰۱۸، رسانه‌های ایرانی گزارش دادند که تهران نگران است شرکت‌های ایرانی از طریق روسیه از بازار سوریه خارج شوند. طبق برخی گزارش‌ها، تهران نگران معامله‌ای است که دمشق را ملزم می‌کند کار با تهران را به تأیید روس‌ها برساند.

از سال ۲۰۱۳، تهران خطوط اعتباری مشترک حداقل ۵,۶ میلیارد دلار را به دولت سوریه اعطا کرده است تا بتواند در پرداخت انواع واردات از جمله فرآورده‌های نفتی به پرداخت آن کمک کند. عدم موفقیت تهران ناشی از فشار مسکو نیست. به عنوان مثال، تصمیم به اعطای مجوز تلفن همراه به MCI، مقاومت شدیدی را درون صفوف رژیم سوریه به وجود آورده است. از جمله مقاومت برخی رقبای مانند سیریاتل که متعلق به رامی مخلوف، پسر عموی بسیار قدرتمند بشار اسد است.

رامی مخاوف از دسترسی ایران به شبکه ارتباطی کشور ناراحت است. در طول نمایشگاه بین‌المللی تجاری دمشق، که در سپتامبر ۲۰۱۸ برگزار شد، در مقایسه با ۷۰ شرکت روسی، تعداد شرکت‌های ایرانی از ۳۱ مورد در سال ۲۰۱۷ به ۳۰ مورد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است، به نظر می‌رسد شایعات پیرامون ایرانیانی که تعداد زیادی زمین در سراسر خاک سوریه خریداری می‌کنند نیز بسیار اغراق‌آمیز است. به جز خرید برخی طرح‌ها در حومه دمشق که شامل حرم حضرت زینب است، خرید زمین از طریق افراد و نهادهای ایرانی محدود به نظر می‌رسد. هنوز ایرانی‌ها به دنبال دستیابی به دستاوردهای خود هستند و مرتباً با دولت سوریه توافق نامه‌هایی

را در مورد پروژه‌های مختلف توسعه امضا می‌کنند، اگرچه بیشتر اینها یادداشت‌های فاقد تعهد هستند. به نظر می‌رسد تهران در تلاش‌های خود برای ایجاد نفوذ فرهنگی و مذهبی موفق‌تر عمل کرده است. ژانویه ۲۰۱۸، علی اکبر ولایتی، مشاور رهبری ایران در سیاست خارجی، گفت: که رئیس‌جمهور سوریه بشار اسد دستور داده است که «افتتاح شعب دانشگاه آزاد اسلامی در همه شهرهای سوریه را آغاز کند». که یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های جهان با حدود ۱,۷ میلیون دانشجو است (Irna, 2018) فوریه ۲۰۱۸، وزیر امور اوقاف دینی سوریه، محمد عبدالستار السید گفت: «که دانشکده جدید اندیشه‌های مدارس اسلامی به زودی در دانشگاه دمشق با همکاری موسسه ایرانی افتتاح خواهد شد».

رویکرد احتیاطی چین

در حالی که چین به همان روشی که ایران و روسیه از رژیم پشتیبانی کردند عمل نکرده است، هنوز هم می‌تواند متحد دمشق قلمداد شود؛ زیرا به وتوی تعدادی از قطعنامه‌های سازمان ملل علیه این دولت و حفظ روابط دیپلماتیک و سیاسی با آن کمک کرده است. علاوه بر این مزیتی که چین نسبت به تهران و مسکو دارد توان مالی آن در جهت سرمایه‌گذاری در سوریه است. به همین دلیل امید زیادی برای جذب سرمایه‌گذاری چین برای بازسازی این کشور وجود دارد. اما در عمل، این امیدها واقعاً تحقق نیافته‌اند. شرکت‌های چینی نسبت به تحریم‌های غربی اعمال شده علیه سوریه و بی‌ثباتی عمومی در این کشور محتاط هستند. درست است که پکن مقادیر زیادی پول را در آفریقا و سایر اقتصادهای نوظهور سرمایه‌گذاری کرده است و به طور سنتی در صدد دستیابی به منابع طبیعی با ارزش در ازای آن است. اما منابع طبیعی سوریه، قبلاً برای روس‌ها ذخیره شده است. از اواخر ۲۰۱۸، علاقه چین به بازسازی سوریه در واقع رو به کاهش است. نمایشگاه تجاری که به آن اشاره شد رویداد مهم تجاری در دمشق است، اما تقریباً چین

تأثیرات اقتصادی و اجتماعی جنگ داخلی سوریه

شبکه‌های تجارت خارجی که پیش از جنگ داخلی، در درجه اول به سمت ترکیه، کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای عربی و اتحادیه اروپا هدایت می‌شدند، از این پس بیشتر به سمت ایران و روسیه متمایل خواهند شد. سوریه همچنان میزبان گروه‌هایی از ایران و روسیه از جمله سرمایه‌گذاران، بازرگانان و مدیران خواهد بود. با این حال، سرمایه‌گذاری روسیه و ایران در اقتصاد سوریه تأثیرات طولانی مدتی در روابط اقتصادی و اجتماعی آنها با سوریه دارد. افتتاح دانشگاه‌های روسی و ایرانی و تدریس زبان فارسی و روسی در برخی مدارس سوریه اولین شاخصه برای این امر است.

بیم آن می‌رود که برخی پیمانکاران طرف قرارداد با سوریه، به جای اینکه در روند بازسازی مشارکت کنند، در واقع کشور را غارت می‌کنند. معامله ذخایر فسفات کشور نمونه خوبی در این زمینه است. دمشق برای بهبود اقتصادی و کسب درآمدهای ارزی با اعطای مجوز به شرکت روسی بیش از دو سوم درآمد این کالای اصلی (فسفات) را در اختیار روسیه قرار داده است. روسیه و دیگر کشورها برای کسب امتیاز در روند بازسازی سوریه با هم رقابت می‌کنند، اما انتظار نمی‌رود این رقابت منجر به رویارویی و تعارض شود. زیرا منافع اقتصادی نسبت به منافع استراتژیکی نقش ثانوی را در رقابت این دو کشور دارد.

بازسازی به عنوان ابزار سیاست خارجی

همه طرفین درگیر در سوریه، سالها است که در مورد بازسازی پس از جنگ بحث و گفتگو دارند. در حقیقت، بازسازی از سوی تمامی طرفین درگیری به عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده شده است که تلاش می‌کنند به طیف وسیعی از اهداف متفاوت دست پیدا کنند. روند بازسازی پس از جنگ، رسماً با پایان یافتن جنگ یا پایان یافتن درگیری‌های مسلحانه، بین طرفین درگیری با امضای توافق نامه صلح آغاز می‌شود (Naraghi Anderlini, 2018).

در مورد سوریه، درگیری مسلحانه هنوز به پایان نرسیده است و هیچ پیشرفت قابل توجهی در روند صلح صورت نگرفته است. صرف نظر از این، هم رژیم سوریه و هم جامعه بین‌المللی از مخالفان حمایت می‌کنند و از سال ۲۰۱۲ از مفهوم بازسازی به عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده می‌کنند. دولت‌هایی که به گروه‌های دوستان سوریه متعلق هستند گروه کاری بهبود روند اقتصادی و توسعه را در همکاری با مخالفان تاسیس کرده‌اند.

اوایل ۲۰۱۲ به منظور شروع طرح‌های بازسازی، تلاش‌هایی در سوریه آغاز شد که جلسه آنها در ۲۴ مه ۲۰۱۲ در ابوظبی برگزار شد و بیش از ۶۰ کشور جهان (از جمله نمایندگان اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس و برنامه توسعه سازمان ملل متحد) شرکت کردند (Carnegie Middle East, 2018). در آن زمان، فرض بر این بود که رژیم اسد به زودی سقوط خواهد کرد و به سرعت کنترل بخش‌های بزرگی از خاک سوریه را از دست می‌دهد. با این حال، حمایت شدید نظامی و مالی از سمت ایران، ظهور دولت اسلامی (داعش) به عنوان تهدید تروریستی در منطقه و متعاقباً دخالت ارتش روسیه، بشاراسد، رئیس‌جمهور سوریه را در قدرت نگه داشت و وعده کمک‌های مربوط به بازسازی ابزار بی‌تاثیری برای متحدان غربی جهت تحت فشار قرار دادن رژیم بود. پس از پیروزی‌های نظامی رژیم، با شروع سپتامبر ۲۰۱۵، کشورهای اروپایی، ایالات متحده و شرکای منطقه‌ای مانند ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس همچنان به تلاش خود برای استفاده از بازسازی به عنوان راهی برای اعمال فشار بر رژیم اسد و متحدان آن ادامه می‌دهند. به عنوان مثال، آنها یک دوره انتقال سیاسی یا یک توافقنامه صلح را شرط لازم برای کمک به بودجه بازسازی قرار داده‌اند. هدف آنها نه تنها متوقف کردن جنگ در سوریه و یافتن راه حل سیاسی بلکه جلوگیری از بروز بحران جدید پناهندگان و بی‌ثبات سازی بیشتر در منطقه است. متحدان این واقعیت را در نظر گرفته‌اند که رژیم به آنها نیاز دارد تا در بازسازی مشارکت کنند زیرا متحدین رژیم به دلایل زیادی قادر به تأمین هزینه فرآیند بازسازی

از یک طرف متحدین اصلی رژیم (روسیه و ایران) همچنین با چالش‌های اقتصادی و همچنین تحریم‌های بین‌المللی با درجات مختلفی روبرو هستند. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری برای بازسازی سوریه همچنان بسیار پر مخاطره است، زیرا توافق صلح هنوز برقرار نیست و هیچ اجماع بین‌المللی در مورد راه‌حل سیاسی در خصوص آن وجود ندارد. این بدان معناست که هر زمان، درگیری می‌تواند مناقشه ایجاد کند و تحریم‌های جدید علیه رژیم سوریه اعمال شود. در همان زمان، رژیم اسد بارها و بارها به «دوستان» خارجی و وفاداران محلّیش وعده قراردادهای بازسازی سودآور و همکاری‌های اقتصادی و تجاری و سرمایه‌گذاری داده است (Butter, 2016).

بشاراسد با استفاده از رویکرد هویج و چماق سعی دارد مخالفانش را تحت فشار قرار می‌دهد. تا تغییر رویه دهند. انگیزه‌های مشارکت در بازسازی سوریه و هشدارهایی در مورد پیامدهای عدم همکاری در حال تغییر است. به گفته وزارت امور خارجه سوریه: «سوریه مشارکت در بازسازی را فقط از سوی کشورهایی قبول دارد که به سوریه حمله نمی‌کنند». آگوست ۲۰۱۸، وزیر امور خارجه سوریه، ولید معلم، پیامی را به اتحادیه اروپا و به ویژه کشورهایی که میزبان تعداد زیادی از پناهندگان سوری هستند ارسال کرد بدین مضمون که «بازسازی روند سیاسی موفقیت آمیزی است که به بازگشت پناهندگان بستگی دارد. برای این که لغو تحریم‌های اقتصادی علیه دولت دمشق، برای بازگشت پناهندگان ضروری است».

پیروزی‌های نظامی رژیم اسد در طول سال ۲۰۱۸، قوانین بازی را تغییر داده و موقعیت رژیم را در سطح بین‌المللی تقویت کرده است. در مقاله‌ای که اتاق فکر موسسه خاورمیانه، مستقر در واشنگتن ژوئیه ۲۰۱۸، با عنوان «حکومت اسد، سوریه را با کمک ایالات متحده و یا بدون کمک آن بازسازی خواهد کرد» منتشر کرد، نویسنده نشان می‌دهد که چگونه استراتژی بازسازی بشار اسد، متحدان و همسایگانش را هدایت می‌کند. که باید از بهبود اقتصادی و بازسازی در سوریه بهره‌مند شوند. در سایت شورای آتلانتیک، استیون هیدمن، از اساتید مطالعات خاورمیانه و متخصص سوریه هشدار می‌دهد که بازسازی به عنوان راهی برای ایجاد فشار در جهت تحول

سیاسی یا انتقال دولت در سوریه است؛ او استدلال می‌کند که دیکتاتوری فقط با استفاده از کمک مالی، خود و نیروهای وفادار به رژیم را تقویت می‌کند و این کمک مالی نیز سرانجام نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی را در سال ۲۰۱۱، تقویت کرد. هیدمن می‌گوید که غرب باید سازوکارهایی را تنظیم کند که فرایند بازسازی مستقل و شفاف را ممکن سازد (Heydemann, 2017).

نقش آوارگان حلب در روند بازسازی

مهندسان، برنامه‌ریزان شهری و سیاستگذاران بر این باورند چگونه می‌توان نیمی از شهر ویران شده حلب را که یکی از بزرگترین شهرهای سوریه است به بهترین وجه احیا کرد. دو سال پس از آنکه نیروهای سوریه و متحدین آنها کنترل حلب را به دست گرفتند، نواحی شرقی این شهر از جمله بخش قدیمی آن، ویران و خالی از سکنه شده بودند. هیچ بررسی کاملی از میزان تخریب در این محل صورت نگرفته است. به جز بررسی‌های سازمانی که برآورد کرده‌اند که بیش از ۵۰ درصد آسیب جدی ساختاری وارد شده است. بخش غربی شهر نیز صدمات زیادی متحمل شده است، اما بیشتر ساختمان‌ها در آنجا سالم هستند. برخی از قسمت‌های قدیمی شهر دست‌خوش تغییراتی شده‌اند مستندات مربوط به خسارت به ساختمان‌های برجسته تاریخی است. اما ساختمان‌های مسکونی مانند «خانه‌های ارواح» غیرقاب سکونت هستند.

سؤالاتی درباره توانایی سوریه در حمایت از سوری‌هایی که مایل به بازسازی هستند، مطرح می‌شود. برخی از تغییرات قانونی، به ویژه قانون ۱۰۳، حقوق مالکیت مالکان را به خطر می‌اندازد. مشارکت و حمایت مالی بین‌المللی همچنان در حال انجام است. به نظر می‌رسد بسیاری از فعالان مدنی، سیاست‌گذاران، محققان و اعضای سازمان‌های غیردولتی، بسیار مایل به پیروی از این روند هستند. علی‌رغم خوش‌بینی‌ها و امیدهایی که این تلاش‌ها در روند بازسازی سوریه به وجود می‌آورد. اما این تلاش‌ها به یک سؤال اساسی پاسخ نمی‌دهد: این بازسازی برای چه کسی

است؟ این سؤالی است که باید رویکرد بازسازی در سوریه را مورد بررسی قرار دهد (Hanna and Harastani, 2018).

وضعیت حلب پیش از جنگ و خسارت‌های جنگ داخلی

حلب به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای سکونت‌پذیر جهان توصیف می‌شود (Compton, ۲۰۱۵). براساس سرشماری دفتر مرکزی آمار سوریه در سال ۲۰۱۰ این استان، یکی از استان‌های ۱۴ گانه سوریه است که محل سکونت یک چهارم کل جمعیت سوریه است. نسبت تقریبی نرخ جمعیت روستای - شهری ۶۰ به ۴۰ است. شهر حلب محل زندگی بیش از سه میلیون نفر است. این جمعیت شامل اعراب، کردها و ارمنی‌ها است، اما تعداد قابل توجهی از علویان در آنجا وجود ندارد. تقریباً نیمی از جمعیت این شهر از ۲۰۱۲ در بخش شرقی حلب زندگی می‌کردند که قدیمی‌ترین بناهای تاریخی در آن قرار داشت. بخش شرقی حلب، از خدمات دولتی کمتر بهره‌مند هستند و ساختمان‌های دولتی بیشتر در بخش غربی است. حلب بزرگترین شهر تاریخی سوریه است که اکنون نیمه ویرانه شده است حدود ۱۶ هزار خانه قدیمی داشته است که محل سکونت ۱۲۰ هزار نفر بوده است. زندگی در نیمی از حلب تا پایان سال ۲۰۱۶ متوقف شده و آخرین بقایای غیرنظامیان و مبارزان به اجبار بیرون رانده شدند و هیچ امیدی به بازگشت نداشتند.

بمباران روزانه شرق حلب در طی دو سال، از سال ۲۰۱۴ شدت گرفت و در اواخر سال ۲۰۱۶ پایان یافت. در این میان جمعیت اصلی شهر به ۴۰ هزار نفر کاهش یافت. مرکز اسناد تخلقات سوریه، اسامی ۳۲ هزار نفر از فعالان مخالف دولت را به ثبت رسانده است. که تا پایان سال ۲۰۱۶ جان خود را در این شهر و اطراف آن از دست داده‌اند این قربانیان اکثریت از غیرنظامیان بودند. ۴۰ هزار نفر باقی‌مانده هم طی معامله‌ای از شهر و خانه خود اخراج شدند. که به معنای قتل و عام شهری یا اقدام عمدی «خشونت علیه شهر» است. سال ۲۰۱۷، حدود ۲۰۰ هزار آواره به خانه‌های خود در شرق حلب بازگشتند، بازسازی این قسمت از شهر بیشتر محدود به بازگشایی

بازار و تفرجگاه‌ها و مرمت آثار تاریخی مانند مسجد بنی‌امیه است.

منافع و ملاحظات نیروها و گروه‌های محلی در بازسازی

در مورد بازسازی سوریه در حال حاضر گروه‌های نظامی که پیروز تعارض و درگیری‌ها بودند، بیشترین نفوذ را دارند. در حالی که گروه‌های محلی که نمی‌توانند به املاک و دارایی‌های خود دسترسی پیدا کنند قادر به شرکت در سیاست و یا تصمیم‌گیری در مورد آیندیشان نیستند. آنها بزرگ‌ترین گروه قربانیان جنگ داخلی هستند. رژیم سوریه هیچ انگیزه جدی برای تسهیل بازگشت آنها ندارد. جامعه جهانی می‌تواند با ایجاد محدودیت‌هایی در برابر اقدامات رژیم بشار اسد، به دنبال ایجاد فرصت‌هایی باشد که کارشناسان محلی و بین‌المللی بتوانند در بازسازی آینده حلب سهیم باشند (Costa and Macmillan, 2018).

موانع ساکنان محلی حلب در روند بازسازی

افراد محلی حلب دیدگاه مشترکی نسبت به اماکن تاریخی مانند مسجد بنی‌امیه، کاروانسراها و حمام‌ها و همچنین برخی از زیرساخت‌های مدرن دارند. بسیاری از آنها در مناطقی زندگی می‌کنند که در طول جنگ آسیب کمتری دیده‌اند، از جمله ساکنان غرب حلب، که بسیار مشتاق هستند شهر خود را دوباره بازسازی کنند. بیشتر تخریب‌ها در مناطق حاشیه‌نشین شرقی حلب رخ داده است و بخش عمده‌ای از آن شامل خانه‌های مردم است نه بناهای تاریخی. با این حال برنامه بازسازی دولت سوریه برای حلب، بیشتر به محله‌های غربی متمرکز شده است که تخریب بسیار کمتری نسبت به بخش شرقی و قدیمی شهر داشته‌اند. محله‌های مسکونی در شرق حلب به ندرت در برنامه‌های بازسازی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حالی که بسیاری از افراد محلی در این منطقه هنگام تخریب و جنگ، خانه‌های خود را از دست داده‌اند و مانند تمام مردم سوریه توان اجاره ندارند و تمایل دارند مالک اموال و دارایی‌هایشان باشند. سایر اولویت‌های اساسی که در صورت بازگشت مردم به خانه‌هایشان باید مورد توجه قرار گیرد، ترس از آزار و اذیت،

محدودیت‌های شدید در مناطق مرزی و محدودیت‌های اقتصادی در امرار معاش هست (Beals, 2017).

نقش محققان و جامعه مدنی

در فرایند بازسازی، عمدتاً لازم است محققان شهری بیش از توجه به فرآیند بازسازی در درجه اول به ساکنان و آوارگان شهری تمرکز کنند. مهندسان سوری و بین‌المللی، باید در ایجاد برنامه‌های اصلی و چارچوب‌هایی برای اجرای برنامه تلاش کنند. در فرآیند بازسازی تجربیات ساکنان محلی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین متخصصان بین‌المللی باید با گروه‌های فعال مدنی سوری که بهترین نمایندگان پناهجویان و آوارگان داخلی هستند، همکاری کنند. بسیاری از این گروه‌ها، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی از خدمات شهری، فرهنگی و آموزشی را انجام می‌دهند (The Aleppo Project, 2018).

نتیجه‌گیری

جنگ طولانی، پرشدت و گسترده در کنار نعطاف ناپذیری دولت اسد، خرابی و در نتیجه هزینه بالایی را در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایجاد کرده است. علاوه بر وابستگی رو به رشد سوریه به کشورها و بازیگران خارجی، ویژگی‌های قبیله‌ای و فرقه‌ای دولت تقویت ولی اقتدار آن کاهش یافته است. پس از تجزیه و تحلیل استراتژی‌های کنونی حکومت دمشق و سیاست‌های بازسازی، این نتیجه حاصل شده است که به نظر می‌رسد بازسازی مناطق مخروبه، عمدتاً در راستای جلب رضایت سرمایه‌داران حامی حکومت و شبه نظامیانی است که در جریان جنگ قدرتمندتر شده‌اند، در حالی که همزمان گروه‌های مخالف جامعه حذف و ساکنان سابق مناطق شهری پاکسازی شده‌اند. سرمایه‌داران وابسته به دولت، با جلوگیری از مشارکت بخش مهمی از بورژوازی سوریه در سرمایه‌گذاری، به طور قابل ملاحظه‌ای مانع بهبود اقتصاد سوریه می‌شوند؛ زیرا آنها قصد دارند

کنترل اقتصاد کشور و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را در اختیار خود داشته باشند. بازسازی به عنوان فرصت بزرگی برای تخریب شهرک‌های غیررسمی است که به طور عمده به گروه‌های جمعیتی کم درآمد اختصاص دارد که با گروه‌های مخالف همگام هستند. بازسازی به عنوان راهی برای تحقق بخشیدن به برنامه‌های سرمایه‌گذاری شهری است. در حالی که همزمان ساختار اجتماعی این مناطق را تغییر می‌دهد. قوانین اخیر مربوط به مسکن، زمین و حقوق مالکیت به عنوان وسیله‌ای برای قانونی کردن این فرایند به کار گرفته شده‌اند. اعاده حقوق مالکیت شخصی برای اکثریت قریب به اتفاق سوری‌ها بویژه برای آواره‌ها، که تهدید به سلب مالکیت و اخراج بدون جبران خسارت شده‌اند، بسیار دشوار شده است.

گزینش مناطق برای بازسازی و زمان‌بندی آغز و انجام پروژه‌ها، چشم‌انداز بازگشت میلیون‌ها آواره داخلی و پناهندگانی که خانه‌های خود را از دست داده‌اند، تیره ساخته است. از سوی دیگر، دولت می‌کوشد در جریان بازسازی، بازی‌سازی هم بکند یعنی از بازسازی به عنوان اهرمی برای مهار نیروهای متمرّد استفاده کند. از این رو بازسازی راهی است برای جذب سرمایه از کشورهای مختلف که مایل به همکاری در سوریه هستند. این روند همچنین سیاست‌های نئولیبرالی اسد را به نفع شبکه‌های تجاری وابسته به حکومت تقویت می‌کند، درحالی‌که بخش‌هایی از مناطق سوریه که فقیرنشین بودند اکنون با فقر بیشتری دست و پنجه نرم می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که درگیری همچنان ادامه دارد اما در زمین بازسازی و توزیع منابع در سال‌های پس از جنگی مهیب و پرخسارت.

فهرست منابع

- 1- Shaar, AlHakam, and Templer, Robert, (2016), "Urbicide or a elegy for Aleppo", Tvergastein Interdisciplinary Journal of the Environment, no. 7), Tvergastein Interdisciplinary studies.
- Ajib, Nadi, (2017) , WWW.Sana.Sy
- 2- Beals, Emma (2017) ,www. foxnews.com
- 3- Butter, David, (2016) "https://www. aljazeera.com
- 4- Carnegie Middle East, (2012), www. Syrian crisis, com
- 5- Chalov, Martin, (2017) ,, www. Guardian. Com
- 6- Costa, Anna and Macmillan, Michele (2018), www. The Aleppo project.com
- 7- Daher. Josep, (2018), www. Syria Report.com
- 8- Goldsmith, Jeff, (2018) , www.Syria depply.com
- 9- Hanna, Edwar and Haraštani Nour ,(2018), www. Syria Chatham hous .org.
- 10- Hurriya Press, (2018) , www. Syrian Observer.com
- 11- Najm Aldeen, Sarah, (2018) , www. Syria depply.com
- 12- Naraghi Anderlini, Sanaam and El-Bushara, Judy.(2004), www. World Bank .org
- 13- Nick Compton, Nick, (2015), www. The Guardian. Com
- 14- Othman Agha, Munqet, (2018), www, Rosa Luxemburg stiftung. Com
- 15- Said, Salam, (2018), www. Syria Report.com
- 16- Shaar, Alhakam, (2018), www. Syria Report.com
- 17- Shahdawi, Yazan, (2018), www.almodon.com.
- 18- Steven Heydemann, Steven, (2017), http://www.atlanticcouncil.org
- 19- The Syria Report, (2017), www. Syria Report,com
- 20- The Syria Report, (2018), www.Syria Reportcom.
- 21- The Syria Report, (2018), www.Syria Rport.com
- 22- The Globe Post, (2019), https://theglobepost.com.
- 23- The Syria Report, (2017).www, Syria Report.com
- 24- The Aleppo Project, (2018), www. The Aleppo project.com
- 25-Yazigi, Jihad, 2018, www. Sryia Report.com